

تحلیلی بر دلایل اقبال زنان به روزنامه‌نگاری در ایران (مورد مطالعه روزنامه‌نگاران مطبوعات تهران)

زهرا نژادبهرام^۱، فاطمه کمالی چیرانی^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۲/۲۹، تاریخ تایید: ۹۹/۸/۲

DOI: 10.22034/JCSC.2020.119231.2172

چکیده

این مقاله، با تکیه بر روش مبنایی (نظریه گراندد تئوری) و با استفاده از روش مصاحبه عمقی با روزنامه‌نگاران زن و مرد تهرانی در پی پاسخ به این سؤال است که؛ چرا زنان ایرانی به روزنامه‌نگاری علی‌رغم مشکلات این حرفه مانند «دستمزد پایین» و «پرمخاطره بودن» این شغل همچنان اقبال دارند؟ داده‌های این پژوهش، نشان داد تجربه روزنامه‌نگاری، زنان را دارای «استقلال مالی» کرده است. همچنین آنان به‌واسطه این شغل، می‌توانند برای تثبیت و ارتقای موقعیت شغلی خود «قدرت چانه‌زنی» داشته باشند. همچنین ارزش‌های جامعه معاصر ایران مانند «حاکمیت قانون» و «دموکراسی» و ظرفیت‌های خاص حرفه روزنامه‌نگاری مانند «شان بالای اجتماعی» این حرفه، به زنان یاری کرده است تا با مشکلات این حرفه مدارا و از ترک این شغل خودداری کنند. «عقاید شخصی» و «حمایت خانوادگی» عامل انگیزه‌بخش دیگر زنان روزنامه‌نگار برای ادامه کار روزنامه‌نگاری‌شان بوده است. پژوهش حاضر، نشان داد آنچه بیش از همه زنان را مجاب کرده است که در این شغل بمانند؛ «حرفه‌ای بودن» آنان است. به تعبیر دقیق‌تر، روزنامه‌نگار بودن، آنها را ترغیب می‌کند تا به شکل عملی، نه تنها علیه تبعیض جنسیتی، بلکه علیه تبعیضی که بر آنان به‌عنوان روزنامه‌نگار تحمیل می‌شود، حرکت کنند.

واژگان کلیدی: استقلال مالی، چانه‌زنی، روزنامه‌نگار، زنان، تبعیض جنسیتی، قدرت.

۱ روزنامه نگار دانش آموخته دکتری علوم ارتباطات و علوم سیاسی مدرس دانشگاه پارس؛
mnejadbahramster@gmail.com

۲ روزنامه نگار دانش آموخته دکتری فرهنگی از دانشگاه دورسبورگ آلمان؛
fatemehkamalichirani@yahoo.com

مقدمه

تمایل زنان^۱ به روزنامه‌نگاری و تحصیل در رشته علوم ارتباطات در ایران در سه دهه اخیر، با توجه به رشد تحصیلات دانشگاهی زنان به شکل معناداری افزایش یافته است. اعظم راودراد (استاد ارتباطات) در سال ۱۳۹۴ آمار حضور زنان در عرصه رسانه و مطبوعات را ۶ هزار خبرنگار رسمی ثبت شده؛ یعنی، ۶۰ درصد دانست و گفت با اینکه خبرنگاران زن از نظر تعداد بیش از مردان هستند، اما نتوانسته‌اند تصویرسازی از زنان را به واقعیت تبدیل کنند. تحقیق ایشان درباره حضور زنان در روابط عمومی‌ها نشان می‌دهد تعداد زنان شاغل در روابط عمومی‌ها هم بیش از مردان است. ایشان با تفکیک مشاغل در سه دسته کارگری (یقه‌سیاه)، خدماتی (یقه‌سفید) مشاغلی را که زنان در آن حضور دارند، مشاغل «یقه‌صورتی» نامگذاری کرد و توضیح داد که در ادبیات نظری، «مشاغل یقه‌صورتی» به مشاغلی اطلاق می‌شود که پایگاه و جایگاه آن از مشاغل یقه‌سفید پایین‌تر است (بولتن نیوز، ۱۳۹۴).

تحقیقات، نشان می‌دهند که «محدودیت‌های اجتماعی»، «رضایت شغلی»، «تبعیض جنسیتی»، «ارزیابی فرد از وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران»، «امنیت شغلی» و «میزان دستیابی به فرصت‌های برابر روزنامه‌نگاران زن» با ترجیحات شغلی روزنامه‌نگاران زن ارتباط معناداری دارند و مسائلی چون «محدودیت‌های خانوادگی»، «محدودیت‌های کاری (شغلی)» و «میزان شفافیت قانون مطبوعات از نگاه روزنامه‌نگاران زن» رابطه معناداری در ترجیح شغل روزنامه‌نگاری بر دیگر مشاغل نداشت (معینی، ۱۳۹۰)، این در حالی است که مشکلات عمده‌ای بر سر راه روزنامه‌نگاری وجود دارد. سه مورد از مهم‌ترین مشکلات این حرفه؛ نخست ناامن

۱ در همین راستا نگاهی به موقعیت اجتماعی زنان در ایران قابل تأمل است. در کنکور دکترا سهم زنان ۴۰ درصد و مردان ۶۰ درصد است. تا پیش از این، سهم زنان در پذیرش کنکور دکترا ۱۵ درصد و مردان ۷۵ درصد بود. این رقم نشان‌دهنده افزایش میزان حضور زنان در دوره دکترا و کارشناسی ارشد است. زنان در بستر فرهنگی کشور با تمام محدودیت‌ها در دهه هشتاد در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد و در مقطع کنونی در دوره دکترا سعی در افزایش سهم حضور خود در دانشگاه دارند. موجی که از دوره کارشناسی در دانشگاه‌ها، آغاز شد و امروز با افزایش ۲۵ درصدی سهم زنان در کنکور دکترا نسبت به سال ۸۸، هنوز ادامه دارد. هم‌اکنون نسبت دختران و پسران در کلیت نظام آموزشی کشور به شرح زیر است. در مدارس کشور، ۵۱ درصد پسر و ۴۹ درصد دختر هستند. در دوره کارشناسی دختران سهم ۶۰ درصدی دارند و در دوره کارشناسی ارشد، نسب دختران و پسران مساوی است، اما اختلاف در میزان سهم زنان و مردان در نظام آموزشی کشور از دوره دکترا و سهم آنان در عضویت در هیئت علمی دانشگاه‌ها آغاز می‌شود. هم‌اکنون سهم زنان در عضویت هیئت علمی در دانشگاه‌های کشور تنها ۲۰ درصد است (روزنامه شرق، ۴ بهمن ۱۳۹۱).

بودن این حرفه در میان مشاغل است؛ تا جایی که روزنامه‌نگاری را در زمره نامن‌ترین حرفه‌ها در جهان می‌دانند؛ یعنی، احتمال اینکه یک روزنامه‌نگار شغلش را از دست بدهد، بسیار زیاد است. دوم، روزنامه‌نگاری به‌طور خاص در ایران شغلی کم‌درآمد است و وضعیت زنان در این میان بغرنج‌تر از مردان است. بیشتر زنان شاغل در مطبوعات، در رده‌های پایین شغلی مانند گزارش‌نویسی یا خبرنگاری فعالیت دارند و کمتر از مردان در مشاغل چگون سردبیری صفحه، سردبیری روزنامه یا مدیرمسئولی فعالیت می‌کنند. همچنین آنان کمتر عضو تحریریه هستند. سومین مشکل، موضوع بیمه کاری و درمانی است که در مشاغل رسانه‌ای (به‌ویژه رسانه‌های غیردولتی) وضعیت نابسامانی دارد (رجب‌پور و معنوی‌پور، ۱۳۹۵).

برخی معتقدند اقبال به روزنامه‌نگاری، به‌دلیل خیزش اندیشه‌های فمینیستی است؛ امری که از گذشته تاکنون در مطبوعات زن‌نگار دیده شده است. این امر، نه‌تنها در نوشته‌های زنان، بلکه در نامگذاری مطبوعات زنان نیز آشکار است. خیزش فمینیستی در پی ارتقای موقعیت زنان، برابری حقوق اجتماعی زنان با مردان و طرح مطالبات اجتماعی زنان است (باغدار دلگشا، ۱۳۹۸). با این نگاه، بررسی دیدگاه‌ها و نظرهای زنان در عرصه روزنامه‌نگاری و خبرنگاری ضرورتی جدی برای دریافت وضعیت کنونی آنها در عرصه رسانه است.

در این پژوهش، در پی آن هستیم که بدانیم که با عنایت به مشکلات خاص و عام روزنامه‌نگاری برای زنان، علت اقبال به این حرفه چیست؟ و چرا روزبه‌روز به تعداد زنان در این حرفه افزوده می‌شود؟ و درنهایت چرا با وجود سختی‌های گوناگون شغل روزنامه‌نگاری، زنان روزنامه‌نگار در این حرفه می‌مانند؟

مبانی نظری

به‌منظور کشف برخی داده‌ها، ضروری است از شیوه‌های مختلف پژوهش برای رسیدن به پاسخ‌ها استفاده کرد. روش‌هایی که بتواند عمق دیدگاه‌های نمونه را بررسی نماید.

امروزه به‌دلیل ناکافی بودن روش‌های کمی، روی‌آوری به روش‌های کیفی، توسعه بیشتری پیدا کرده؛ هرچند که در این نوع روش‌ها به‌دلیل ورود افکار و اندیشه‌های پژوهشگر با رویکردهای ذهنی خاص، اشکالاتی را ایجاد کند، اما این نوع روش‌های با توجه به ماهیت انسانی، امکان رسیدن به پاسخ‌ها را معنادار می‌کند. به‌طور کلی از نظر روان‌شناختی، بهتر است پژوهشگر علاوه بر اینکه نمونه‌هایی را مورد پرسش قرار می‌دهد، خود نیز از نوعی آشنایی با محیط آنها جهت

درک بهتر از مسائل را داشته باشد. از این رو روش گردنند تئوری یا روش زمینه‌ای امکانی از این رو را برای این پژوهش فراهم ساخته و مورد استفاده قرار گرفته است. این روش، ضمن آنکه رویکردی برای انجام پژوهش ایجاد کرده، بستری برای تولید نظریه نیز هست. هرچند که برخی داده‌های نظری می‌تواند به صورت راهنما در این روش مورد استفاده قرار گیرد.

گردنند تئوری یا نظریه زمینه‌ای که به GTA یا GTM معروف است، روش تحقیقی برآمده از سنت‌های علوم اجتماعی در دانشگاه کلمبیا و شیکاگو طی اوایل نیمه دوم سده بیستم است. در خصوص ترجمه آن به فارسی معادل‌هایی چون نظریه بنیانی، نظریه مبنایی، نظریه برپایه، نظریه زمینه‌ای، نظریه داده‌بنیاد، نظریه بازکاوی، نظریه داده‌محور و نظریه پایه‌ای به کار گرفته شده است. مسیر کار منبعث از داده‌هاست و نه نظریه‌ها؛ یعنی به جای اینکه از نظریه خاصی آغاز کنیم، تکیه‌گاه ما داده‌هایی است که در مورد موقعیتی خاص جمع‌آوری می‌شود. بنابراین نظریه زمینه‌ای به جای اینکه با تئوری آغاز شود، به تئوری ختم می‌شود و به جای فرضیه آزمایشی، فرضیه‌سازی است (فراستخواه، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

در این روش، محقق با موضوع مطالعه به طور کامل درگیر می‌شود و این امکان را دارد که با روش‌های متعدد و متنوع اطلاعات و داده‌ها را جمع‌آوری کند و به طور رفت و برگشتی میان نظریه و میدان، داده‌ها را دوباره تحلیل کند. این روش با تأکید بر مصاحبه و مشاهده برای تولید داده‌های تجربی، جذب پژوهشگر در میدان و جلب اعتماد مشارکت‌کنندگان در تحقیق، روشی مناسب برای این پژوهش است. این روش، هم ابزاری است برای ایجاد نظریه و هم تکنیکی است برای انجام پژوهش کیفی. در این روش، هرگز پژوهش از یک نظریه شروع نمی‌کند تا آن را بعداً اثبات کند، بلکه پژوهش از یک دوره مطالعاتی شروع و فرصت داده می‌شود تا آنچه متناسب و مربوط به آن موضوع است، خود را نشان دهد (روشندل و دیگران، ۱۳۹۳).

از این رو با عنایت به اینکه در تحقیقات اجتماعی، نظریه‌ها با روش‌های تحقیق رابطه تنگاتنگی دارند، مطابق با نظریه‌های مطرح شده، روش‌های تحقیق نیز دچار تغییرات عدیده‌ای شده‌اند. نظریه زمینه‌ای بستری دوسویه برای نظر و روش است.

مطالعات پیشین

پژوهش‌های داخلی

شمیم شرافت و احمد شکرچی در پژوهشی در سال ۱۳۹۶ با عنوان «رابطه گرایش سیاسی دولت‌ها و هنجارهای شغلی روزنامه‌نگاری با حضور زنان در روزنامه‌ها» نشان داده‌اند که

روزنامه‌نگاران زن با زنان رقابت بیشتری داشتند. زنان در محیط کار، دیگر همکاران زن خود را رقیب جنسی یا رقیب کاری تلقی می‌کردند، درحالی‌که برای مردان، رقابت محدود به رقابت کاری بود. براساس این پژوهش، «لابی جنسیتی» از طرفندهای شناخته‌شده زنان روزنامه‌نگار برای ارتقای موقعیت خود بود. این امر، موجب رشد یادکنکی در برخی زنان و ارتقای آنها به سمت‌های بالاتر می‌شد. روزنامه‌نگاران، این عامل را علت بی‌کفایتی برخی مدیران زن و تجربه بد آنها هنگام همکاری با زنان مدیر می‌دانستند. چنین نحوه‌ای برای ارتقای مقام، عرصه را برای زنانی که با تلاش خود رشد پیدا کرده‌اند، تنگ‌تر می‌کرد. همچنین براساس این پژوهش، هنگامی‌که سخن از تعدیل نیروی کار می‌شود، زنان بیش از مردان دچار دلهره می‌شوند. مدیران که نگران ازدواج، بارداری و ترک کار به علت عدم نیاز و کار زیاد در زنان هستند، هنگام تعدیل نیرو زنان را بیشتر مدنظر قرار می‌دهند. این امر، موجب می‌شود تا زنان برای بقا بیشتر تلاش کنند و با زنان دیگر رقابت بیشتری داشته باشند (شکرچی و شرافت، ۱۳۹۶).

هادی خانیکی در گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران طی سال‌های ۱۳۸۰-۱۳۹۰ نشان داده است که حضور زنان در حرفه روزنامه‌نگاری در شهرهای مختلف ایران متفاوت است. براساس این گزارش سال ۱۳۸۶ استان‌های گلستان، زنجان و خراسان جنوبی بیشترین روزنامه‌نگار زن را با آماری حدود ۶۰ درصد و استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان شرقی، اردبیل و قم کمترین میزان روزنامه‌نگار زن را با آمار حدود ۱۰ درصد داشته‌اند.

با اینکه حضور زنان در حرفه روزنامه‌نگاری افزایش یافته است، تحقیقات نشان می‌دهد که اولاً این تعداد همچنان در ترکیب‌های جنسیتی و جماعتی مناطق مختلف ایران رضایت‌بخش نیست و ثانیاً حضور زنان در پست‌های بالای روزنامه‌نگاری همچنان کم‌رنگ است. حضور زنان در عرصه مدیریتی رسانه‌ها در سال ۱۳۸۰ بسیار کم بوده است و تعداد مدیران زن روزنامه‌هایی نظیر روزنامه «تهران امروز» و «اعتماد ملی» در حد یک یا دو نفر بوده‌اند. تعداد زنان به‌لحاظ کمی، وضعیت عینی و اجتماعی با فعالیت‌های مطبوعاتی جهان امروز تناسب ندارد و ترکیب جنسیتی مدیریت، نیروی کار، تعداد و شمارگان مطبوعات زنان نه‌تنها با ترکیب جنسیتی، اجتماعی و فرهنگی زنان سازگار نیست، بلکه حتی امیدبخش هم نیست. او تعداد زنان را در عرصه مدیریتی بسیار محدود دانسته است (خانیکی و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۵۵).

بررسی تطبیقی مشارکت اقتصادی زنان در ایران، ترکیه و مالزی نشان می‌دهد که با وجود به‌کار نرفتن زنان در مشاغل کلیدی رسانه‌ای، زنان به‌لحاظ تحصیلی و اجتماعی، حضور فعالی در اجتماع

داشته‌اند. «گرایش زنان به آموزش عالی» و «گسترش حضور» آنان در «دسترسی به آموزش عالی» از ظرفیت‌ها و تحولات خاص سه دهه اول بعد از انقلاب اسلامی است (نژادبهرام، ۱۳۹۰: ۸۴).
براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد در سال ۱۳۸۹ در عرصه مدیریت زنان رتبه ایران ۱۰۲ بوده است (نژادبهرام، ۱۳۹۰: ۱۰۰).^۱

سال ۱۳۹۰ الهام معینی در پایان نامه‌ای با عنوان «فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی زنان روزنامه‌نگاران زن شهر تهران» با پیمایشی با مشارکت ۱۶۲ روزنامه‌نگار زن شاغل در روزنامه‌های «خبر ورزشی»، «روزگار»، «ایران»، «تماشا»، «گسترش صنعت»، «اطلاعات»، «ابرار»، «شرق»، «فرهیختگان»، «جام جم»، «آفتاب یزد» و «همشهری» نشان داد؛ محدودیت‌های اجتماعی، رضایت شغلی، تبعیض جنسیتی، ارزیابی فرد از وضعیت روزنامه‌نگاری در ایران، امنیت شغلی و میزان دستیابی به فرصت‌های برابر روزنامه‌نگاران زن، با ترجیحات شغلی روزنامه‌نگاران زن ارتباط معناداری دارند و مسائلی چون؛ محدودیت‌های خانوادگی، محدودیت‌های کاری (شغلی) و میزان شفافیت قانون مطبوعات از نگاه روزنامه‌نگاران زن، رابطه معناداری در ترجیح شغل روزنامه‌نگاری بر دیگر مشاغل ندارد (معینی، ۱۳۹۰).

در سال ۱۳۸۸ نتایج پژوهش کتاب «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران» نشان داده است که حضور زنان در مطبوعات ایران در دو دهه اخیر، رو به افزایش بوده است و در دهه ۹۰ شمسی ۳ هزار و ۶۰۲ مجوز برای نشریه‌های ایران صادر شد که ۲۹۲ مورد از این نشریات صاحب‌امتیاز زن داشتند و ۴۱۹ نفر از زنان مدیرمسئول بوده‌اند. از نگاه برخی دیگر از محققان، نه تنها نگاه مردسالارانه، بلکه «نقش رسانه» در «بازتولید» نقش‌های «کلیشه‌ای» برای زنان و تقسیم‌کار جنسیتی زنان را در پست‌های پایین نگه می‌دارد (نژادبهرام، ۱۳۸۸: ۷۸).

براساس تحقیقی در سال ۱۳۷۱ از محسنیان راد، زنان ۱۲ درصد از کل روزنامه‌نگاران را تشکیل می‌دهند. به نقل از وزارت ارشاد این درصد در سال ۱۳۷۸ به ۱۵ درصد و در سال ۱۳۸۸ به ۴۲ درصد افزایش یافته است (المانیتور، ۱۳۹۴).

۱ مقایسه روند بیکاری جوانان به تفکیک جنسیتشان می‌دهد که نرخ بیکاری زنان جوان همواره بالاتر از مردان جوان بوده است و در سال‌های اخیر، این اختلاف بیشتر شده است. همچنین نرخ بیکاری مردان از سال ۱۳۷۵ تا سال ۱۳۸۶ نزدیک به دو برابر شده است. کمترین نرخ بیکاری مردان جوان در سال ۱۳۷۵ معادل ۱۳/۷ درصد و بالاترین در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲۷/۶ درصد است. همچنین در مورد زنان نیز نرخ بیکاری در بازه زمانی سال ۷۵ تا سال ۹۰ افزایش یافته است. به این ترتیب، نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۹ سال در سال ۷۵ برابر با ۲۰/۹ درصد و نرخ بیکاری آنها در سال ۱۳۹۰ برابر با ۴۰/۳ درصد و در سال ۹۴ به ۱۱ درصد رسیده است (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۶).

همچنین تحقیقات نشان می‌دهد علاقه به آموختن روزنامه‌نگاری نیز در سال‌های اخیر، در زنان افزایش یافته است. ۸۰ درصد از دانشجویان ارتباطات دانشگاه سوره در سال ۱۳۹۴ زن بوده‌اند. تعداد زنان روزنامه‌نگار در روزنامه‌های اصلاح‌طلب در این سال، به شصت تا هفتاد درصد نیز رسیده است. از دلایل افزایش تعداد زنان روزنامه‌نگار در ایران، گسترده شدن شبکه اجتماعی افراد به واسطه روزنامه‌نگار شدن، جایگاه محترمانه این شغل نسبت به دیگر مشاغل و همچنین استقبال مخاطبان از خواندن مطالب زنان است (المانیتور، ۱۳۹۴).

پژوهش‌های خارجی

تحقیق دیگری که توسط چارلز کورزمن^۱ انجام شده است، نشان می‌دهد که زنان تحصیل‌کرده جوان ایرانی خود را به‌طور عمیقی مدافع حقوق زنان می‌دانند. کورزمن که از داده‌های پیمایش‌های گوناگونی استفاده کرده است، معتقد است از آنجایی که فضای سیاسی جامعه ایران با گسترش فرهنگی فمینیستی مخالف است، چنین نتیجه‌ای عجیب است. نتیجه‌ی یکی از تحلیل‌های او این است که به احتمال زیاد رشد روزافزون زنان دارای تحصیلات دانشگاهی موجب یک «بسیج انقلابی»^۲ در زنان جوان ایرانی شده است و زنان نسل جدید، در خود حس تأثیرگذاری بیشتری بر جامعه خود می‌بینند. کورزمن معتقد است تحصیل باعث شده است تا در زنان یک «حس تساوی خواهانه جنسیتی»^۳ به وجود بیاید که با ساختارهای مردانه جامعه ایرانی لزوماً همخوان نیست (korezman, 2008, 321). علاوه بر این، مسائل اقتصادی امروز کشور نیز زنان را به این سو سوق داده است که احساس مسئولیت بیشتری در قبال خانواده خود داشته باشند.

کریستین گیلجر^۴ در سال ۲۰۱۹ در کتاب «در اتاق‌های خبر گریه‌ای نیست»^۵ با صد زن روزنامه‌نگار آمریکایی مصاحبه کرده است و نتیجه گرفته است که زنان می‌توانند به فرصت‌های شغلی ارتقاء پیدا کنند. او نشان داده است که زنان زیادی در اتاق‌های خبر وارد می‌شوند و کار می‌کنند و این امکان را دارند که با اتکا به تجاربشان، به‌رغم وجود نادیده‌انگاری‌ها و تفاوت‌های دستمزد و دسترسی سخت‌تر، به جایگاه‌های مدیریتی ارتقا پیدا کنند.

1 Charles Kurzman
2 Revolutionary mobilization
3 Gender-egalitarian
4 kristian gilger
5 Theres no crying in newsrooms

این کتاب نشان‌دهنده آن است که مسائلی که در اتاق‌های خبر رخ می‌دهد، ناشی از طرز تفکر و فرهنگ هر جامعه است و ربطی به ظرفیت‌های زنان ندارد (Gilger, ۲۰۱۹: ۷۸).

کتاب دیگری با عنوان «زنان و روزنامه‌نگاری در امریکا و انگلستان» به بررسی و مصاحبه با روزنامه‌نگاران زن پرداخته است و نتیجه گرفته است که زنان باید بدانند که آنها سوژه هم هستند؛ یعنی علاوه بر آنکه به‌دنبال سوژه هستند، خود، سوژه خبر هستند (charmerz, steiliner.paemer, ۲۰۰۴: ۵). در بخش دیگری از این کتاب، نشان داده شده است که یکی از مهم‌ترین مسائل زنان روزنامه‌نگار، کنایه‌ها و نگاه جنسیتی مردان به زنان است که موجب صدمه‌زدن به اعتماد به نفس زنان می‌شود و باعث می‌شود زنان سردبیر یا دارای موقعیت بالا در روزنامه‌ها به‌نوعی دچار زن‌گریزی شوند (همان: ۱۰۰).

گزارش‌های مارگارت گالاگر^۱ برای یونسکو (۱۹۸۱)^۲ و گزارش بیرلی^۳ (۲۰۱۳) موقعیت‌های جنسیتی را در سازمان‌های خبری در سراسر جهان ثبت کرده است و سقف‌های شیشه‌ای و سایر موانع نامرئی را برای زنان مشخص کرده است.^۴

لیندا استاینر^۵ (۲۰۱۲: ۲۱۹) در پژوهش خود نشان داده است که خبرنگاران، سردبیران، مخاطبان، منابع جنسیتی هستند؛ همچنین دارای تجارب (نقطه‌نظرها)، نژاد، طبقه، فرهنگ ملی، فرهنگ حرفه‌ای، نسل و لحظه تاریخی هستند. علاوه‌براین، زنان و مردان لزوماً ساکن و کنترل‌گر قلمروهای مخالف نیستند؛ یعنی نباید به آنها به‌عنوان عناصر مخالف در یک جامعه نگاه کرد و در خصوص زنان نباید با رویکردهای جنسیت‌گرایانه برخورد کرد. وی با تأکید بر نگاه عمومی تفاوت ذاتی بر فعالیت زنان روزنامه‌نگار، معتقد است این مهم، برآیند نگاه ساکنین اقلیم‌های مختلف در فضای اجتماعی و خصوصاً روزنامه‌نگاری است و رویکردهای فمینیستی، پاسخگوی این تفاوت‌ها نیست. آنها نیازمند نقد هستند و باید شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز در اتاق‌های خبر مورد توجه قرار گیرد.

در گزارش سازمان ملل، ایران از نظر توسعه انسانی، رتبه ۸۸ را داشت و در شاخص‌های توسعه جنسیتی، رتبه ۷۶ را در میان ۱۵۵ کشور داشت (رضازاده، ۲۰۱۱). براساس همین آمار،

1 Gallagher, Margaret

2 <https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000047681>

3 Byrli

4 Bailey, S. (2014, July 23). Who makes a better leader: A man or a woman? Forbes. Retrieved from <http://www.forbes.com>

5 Linda Steiner

نرخ بیکاری زنان تحصیل‌کرده ۱۶/۷ درصد است. این رقم برای مردان ۶/۸ در صد است؛ یعنی در برابر ۸ تا ۱۰ فرصت شغلی برای زنان، ۳۷ فرصت شغلی برای مردان وجود دارد. امری که مؤید آن است که نرخ بیکاری زنان حدود ۴۰ درصد است (زاهدی‌فر، ۲۰۱۲)

در کتاب «زنان و روزنامه‌نگاری» که سال ۲۰۱۳ توسط انتشارات توریس^۱ منتشر شد، مسائلی چون عدم ارتقاء، تفاوت دستمزد، محدودیت شغلی و... از چالش‌های اصلی روزنامه‌نگاری معرفی شده است. سوزان فرانکس^۲ در این کتاب، با اشاره به تحقیقات پیشین و پایین بودن نرخ مشارکت زنان در روزنامه‌های برجسته آمریکا - که حدود ۳۷ درصد است - می‌گوید زنان روزنامه‌نگار، به‌رغم طی مدارج دانشگاهی - که فرصتی برای حضور در رسانه است - امکان حضور مؤثر را ندارند (frankes, 2013, 6) وی همچنین وجود تفاوت در جنسیت را مانعی برای ارتقای زنان در رسانه از عوامل اصلی این مسئله می‌داند (p. ۵۸).

تحقیقی در دانشگاه نوا^۳ در پرتغال در سال ۲۰۱۷ نشان داد؛ هنجارهای مردانه بر فضای روزنامه‌نگاری سایه افکنده است و در میان زنان روزنامه‌نگار، تجربه نابرابری مادی به‌طور عادی وجود دارد (Lobo & others, 2017).

تحقیقی که مؤسسه پیو^۴ در سال ۲۰۲۰ در خصوص خبرنگاران آمریکا منتشر کرده است؛ نشان داد حدود ۷۶ درصد کارکنان اتاق خبر، سفیدپوست هستند و حدود ۶۷ درصد آنها مرد هستند. در این تحقیق، با تأکید بر نقش کم‌رنگ زنان در اتاق‌های خبر، پیش‌بینی شد مسیر ارتقای شغلی آنها با دشواری‌های زیادی همراه است.

روش پژوهش

روش نظریه‌مبنایی یا گراند تئوری، از جمله روش‌های کیفی است و از جمله نظریه‌پردازان این روش، می‌توان از آنسلم اشتراوس^۵ (یا استراس) و ژولیت کربین^۶ نام برد. از جمله محققان دیگری که به‌طور گسترده روی تکنیک‌های مختلف کدگذاری و تحلیل نظریه‌مبنایی کار کرده‌اند، کتی چارماتز^۷ است (charmners. 2009 & 2014).

1 tauris

2 Suzan frankes

3 Nova

4 Pew organizationn

5 Strass

6 Juliet Corbin

7 Cathy Charmaz

در این روش، برای جمع‌آوری هر نوع داده‌ای که به پاسخ به سؤال کمک کند، روی گروه‌های کوچک مطالعه می‌شود. مصاحبه عمیق، از مهم‌ترین متدهای جمع‌آوری اطلاعات در این روش است. در حین جمع‌آوری اطلاعات، مرور ادبیات و پیشینه موضوع نیز مدنظر قرار می‌گیرد و به تبیین نتایج کمک می‌کند. در این روش، لازم نیست با افراد پرشماری مصاحبه شود، ولی در ابتدای تحقیق نیز این تعداد قرارداد نمی‌شوند؛ زیرا محققى که از روش نظریه مبنایی استفاده می‌کند، در همان ابتدا، اجازه می‌دهد که داده‌های تحقیق و تحلیل آنها مسیر تحقیق را مشخص کند. زمانی که محقق دریافت که نکته یا نکاتی مشترک در تمام مصاحبه‌ها تکرار می‌شوند و نکته جدیدتری به فهم موضوع اضافه نمی‌شود، به اصطلاح به نقطه «اشباع نظری» رسیده است. در این مرحله، محقق جمع‌آوری بیشتر اطلاعات را متوقف می‌کند و بحث خود را شکل‌بندی می‌کند. نظریه مبنایی؛ روشی انعطاف‌پذیر است. بسیاری از محققان حوزه علوم اجتماعی که از روش‌های کمی استفاده می‌کنند، به نظریه مبنایی انتقاد دارند و به نتایج تحقیقاتی که این نوع روش آماده می‌کند، به دیده شک می‌نگرند، اما این روش امکان می‌دهد مسائل و موضوعات جدیدی بروز کند که از آنها در ذهن محققان قبل از آن تصویری وجود نداشته است. به‌همین دلیل، در این پژوهش، تصمیم گرفته شد موضوع ماندن روزنامه‌نگاران زن ایرانی در حرفه‌شان با این روش تحلیل شود. به این منظور، با کدگذاری مکرر داده‌ها، توده مفهوم محوری از روابط و در نتیجه نظریه شکل می‌گیرد (حسینی و لطیفی، ۱۳۹۵).

در این پژوهش، در مرحله گردآوری اولیه داده‌ها دو نکته مورد توجه قرار گرفته است؛ اولاً محققان تحقیق، سابقه روزنامه‌نگاری در ایران داشته‌اند. ارتباطات، تجربه روزنامه‌نگاری و زن بودن محققان، و همچنین مشاهدات آنها حین جمع‌آوری اطلاعات، خواه‌ناخواه در جمع‌آوری و کدگذاری و تحلیل داده‌ها تأثیر داشته است. در نظریه مبنایی به‌خصوص گرایش ساختارگرایانه آن، مادامی‌که تحلیل در قواعد خاص خود به‌کار گرفته شود، این بخش از دخالت محققان در تحقیق به رسمیت شناخته می‌شود.

نکته دوم، گفتگوهای غیررسمی این تحقیق است. اطلاعات و تجربیات چند روزنامه‌نگار پیشکسوت زن از روزنامه‌نگاران زن ایران از منابع مهم اولیه اطلاعات این تحقیق بوده است. هدف از این گفتگوها درک حساسیت‌های موضوع و انتخاب مصاحبه‌شوندگانی است که بتوانند

روزنامه‌نگاران زن مشغول در مطبوعات تهران را نمایندگی کنند و حاضر به همکاری در این پروژه باشند. در واقع این بخش، منبع مهم مشاهدات تحقیق را نیز تشکیل داده است.^۱

براساس این اطلاعات، «انتخاب نظری» در مرحله اولیه براساس سه نکته اتخاذ شد:

۱- نه تنها با زنان روزنامه‌نگار، بلکه با مردان روزنامه‌نگار نیز مصاحبه شد. به این ترتیب داده‌های مرتبط در حوزه اشتغال زنان در روزنامه‌نگاری نه تنها از نگاه زنان، بلکه از نگاه مردان نیز جمع‌آوری شد، ۲- با روزنامه‌نگارانی که تجربه ترک کردن شغلشان را داشته‌اند نیز مصاحبه شد. به این ترتیب این فرصت فراهم آمد تا به دلایل و مشکلات ترک شغل آنان نیز توجه شود، ۳- سؤالات تحقیق به حدود ۲۰ نفر از روزنامه‌نگاران ارسال شد؛ به این امید که حداقل نیمی از مصاحبه‌شونده‌ها پاسخ دهند و بعد از آن بتوان به صورت انفرادی در موارد ابهامات دوباره با روزنامه‌نگاران مصاحبه شخصی کرد.

مصاحبه‌شوندگان، فارغ از جهت‌گیری سیاسی انتخاب شدند تا بتوان موضوع را فارغ از باورهای سیاسی خود تعریف و تبیین کنند. سؤالات به مصاحبه‌شونده‌ها از طریق اپلیکیشن تلگرام فرستاده شد (سؤالات در انتهای مقاله آمده است).

یافته‌ها

یافته‌های حاضر بر مبنای مصاحبه‌ها و مطالعات پیشین و یافته‌های مشاهده‌ای درصد پاسخ به این سؤال است که چرا زنان روزنامه‌نگار با وجود سختی‌های گوناگون شغل روزنامه‌نگاری در این حرفه می‌مانند؟

در این میان، سؤالات دیگری نیز طرح شد که برجسته‌ترین آنها عبارت است از:

- آیا تلاش برای تغییر گفتمان قدرت در عرصه روزنامه‌نگاری، زنان روزنامه‌نگار را در این حرفه فعال کرده است؟

- آیا حمایت و الگوگیری عامل بقای زنان در روزنامه‌نگاری است، یا ویژگی‌های خاص زنان در نکته‌سنجی و عدم نیاز مالی موجب بقا آنان در این حرفه است؟

- آیا زنان روزنامه‌نگار شغلی دیگر برای خود سراغ ندارند؟

- آیا جامعه خبری، حضور زنان را در عرصه روزنامه‌نگاری بیشتر پذیراست؟

۱ در این راستا از تجارب و اطلاعات پیشکسوتانی نظیر بدرالسادات مفیدی، سونیا پوریامین و زاله فرامرزیان و روزنامه‌نگاران جوان‌تری چون آساره کیانی، شهرزاد همتی، فریبا نباتی، مرجان توحیدی و نورا حسینی استفاده شده است.

در این میان، توجه به برداشت‌های میدانی این فرصت را ایجاد کرد که در گفتگوهای غیررسمی حداقل با بیش از ۲۰ روزنامه‌نگار، سؤالات تدقیق شود و در نهایت براساس روش GT یافته‌های زیر حاصل شد. از میان مصاحبه‌شونده‌هایی که سؤالات را دریافت کرده بودند، هشت نفر (سه مرد و پنج زن) حاضر به همکاری و پاسخ‌دهی شدند. دو نفر از مصاحبه‌شونده‌ها به سؤالات به‌طور کتبی پاسخ دادند و بقیه صدای ضبط‌شده خود را از طریق اپلیکیشن تلگرام فرستادند. مدت‌زمان پاسخ به سؤالات بین ۵ تا ۱۵ دقیقه بود. اطلاعاتی درباره مصاحبه‌شونده‌ها در انتهای مقاله آمده است. بعد از کدگذاری اولیه مصاحبه‌ها، سه مقوله (کدگذاری متمرکز) موردتوجه قرار گرفتند:

- مقاومت کردن در مقابل سختی‌ها
 - ریزبینی و کار ارزان
 - شناخت از خود به‌عنوان «روزنامه‌نگار حرفه‌ای» بارزتر از شناخت از خود به‌عنوان «زن»
- به‌این‌ترتیب، مشخص شد که مسئله «مقاومت زنان»، «جایگاه مسئله مالی در زندگی زنان مصاحبه‌شونده» و «بعد جنسیت در شغل روزنامه‌نگاری» نیاز به واکاوی بیشتری دارد. به‌همین دلیل، در قالب چند سؤال خاص‌تر با یک مصاحبه‌شونده زن و یک مصاحبه‌شونده مرد مجدداً مصاحبه باز و مفصل، از طریق ارتباط تلفنی، انجام شد. بعد از انجام دور دوم مصاحبه‌ها، کدهای متمرکز، مورد بازبینی و مقایسه قرار گرفتند و کدهای محوری با جزئیات بیشتری چیده شدند.

دسترسی زنان به استقلال مالی

با توجه به مطالعات پیشین و افزایش حضور زنان در نشریات و خبرگزاری‌ها، یکی از کدهای بارز در مصاحبه‌ها بُعد مالی حضور زنان در حرفه روزنامه‌نگاری است. در این بررسی، بُعد مالی از دو نظر مورد توجه قرار گرفت: نیاز روزنامه‌ها به نیروی کار ارزان زنان، و قناعت زنان به دستمزد پایین.

مشاهدات مردان مصاحبه‌شونده از شرایط کاری زنان روزنامه‌نگار و فضای شغلی روزنامه‌نگاری نشان‌دهنده آن است که زنان، نیروی کار ارزانی در روزنامه‌نگاری هستند، آنها به‌دلیل عدم داشتن دغدغه معاش، میزان ماندگاریشان بیشتر است و همچنین ماندگاری آنها در این مشاغل از سوی مدیران رسانه‌ها نیز تقویت می‌شود.

یکی از مصاحبه‌شونده‌ها معتقد بود: «از آنجا که زنان به اندازه مردان دغدغه تأمین معاش ندارند، به همین جهت حضور حداکثری در شغل کم‌درآمدی مانند روزنامه‌نگاری دارند» (س. ق). بعضی معتقدند که به این جهت که «بازار کار» در ایران «کساد» است و زنان «قانع به دستمزد پایین» هستند؛ لذا میزان حضور آنها در این شغل بیشتر است. آنها معتقدند اگر بازار کار در وضعیت کنونی ایران مشاغل دیگری را با درآمد بالا پیشنهاد می‌کرد، این احتمال وجود داشت که زنان نیز به آن مشاغل وارد شوند.

نکته قابل توجه دیگر در این زمینه، حضور کم‌رنگ رقیبان زنان؛ یعنی مردان، در حرفه روزنامه‌نگاری است. به دلیل «خلاء مردان در شغل روزنامه‌نگاری» (س. ق) و یا کاهش اقبال آنها «به شغل کم‌درآمد» (ا. ج.) حضور زنان در حرفه روزنامه‌نگاری رو به افزایش است.

به عبارت دیگر، از نگاه روزنامه‌نگاران مورد پرسش قرار گرفته (به‌ویژه مردان) مدیران مطبوعات ایران، برای پایین آوردن هزینه‌ها تمایل دارند که از زنان در نشریات استفاده کنند و اگر مردان حاضر شوند کار را با همان حقوق انجام دهند، صحنه روزنامه‌نگاری خالی از زنان می‌شود. به این ترتیب، اقبال سردبیران و مدیرمسئولان به جذب «نیروی کار ارزان و باکیفیت» از یک سو و قناعت زنان به حقوق کمتر از مردان، از دلایل بقای آنها در حرفه روزنامه‌نگاری است. در تحلیل مصاحبه‌های زنان، مشخص شد؛ مسئله دستمزد، امری ساده نیست و پیچیدگی‌های خود را دارد. زنان در روابط قدرت خانوادگی و اجتماعی تغییر یافته، نقطه امنی میان توقع پایین خانواده (از یک زن به‌عنوان نان‌آور) و بلندپروازی ناشی از تحصیل و آگاهی خود برای حضور بیشتر در جامعه یافته‌اند. به همین دلیل، دستمزد بالا اولین توقع آنان از انتخاب این شغل نیست. در این نقطه که به‌نظر دغدغه‌ای برای آنها وجود ندارد، اما در روابط قدرت خانوادگی و اجتماعی، زنان می‌دانند که با نداشتن وظیفه تأمین مالی کل خانواده، همچنان باید در تأمین هزینه‌ها مشارکت کنند. از سوی دیگر، باید گفت که کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری همیشه کار ارزانی در ایران نبوده است. به گفته یکی از روزنامه‌نگاران زن «در سال‌های دهه هفتاد و در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی و تا نیمه‌های دهه هشتاد، مسئله اطلاعات و تحلیل صحیح مسائل اجتماعی و سیاسی در ایران مهم بود. به این ترتیب، نیاز به روزنامه‌نگار حرفه‌ای بود تا کار مهم تحلیل را انجام دهد. به یاد دارم که در آن زمان، تقاضای کار حق تحریری در کنار موظفی روزنامه‌ام آن قدر زیاد و با دستمزد بالا بود که باید بینشان تعدادی را انتخاب می‌کردم و عده‌ای را رد می‌کردم، اما به تدریج این روند، هم به‌لحاظ سازمانی

و هم خود روزنامه آسیب دید. روزنامه‌ها کم‌کم بسته شدند و آنها که ماندند، کوچک شدند. کم‌کم حق تحریرها با تأخیر پرداخت شد و بعد اصلاً پرداخت نشد و اوضاع درآمدی در روزنامه‌ها بد شد» (ش. ل). به این ترتیب باید گفت که مسئله درآمد روزنامه‌نگاری متأثر از استانداردهای کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و موقعیت سیاسی بوده است.

در این میان، دو نکته قابل توجه است؛ نخست آنکه زنان روزنامه‌نگار با علم به کم‌درآمد بودن حرفه روزنامه‌نگاری آن را دنبال می‌کنند، دوم اینکه زنان روزنامه‌نگار جدا از باورهای قالب مردان روزنامه‌نگار که معتقدند زنان در تأمین معاش خانوار مسئول نیستند، خود را ملزم به تأمین هزینه‌ها یا بخشی از آن می‌دانند.

آنها معتقدند که حقوقشان «کمک» نیست، بلکه «تأمین» بخشی از مخارج خانواده است. این مسئله، تحلیل جدیدی به مسئله «قناعت به دستمزد پایین» می‌دهد. به نظر می‌رسد این مهم در واقع، تمرینی برای برابری خواهی و دموکراسی در روابط قدرت خانوادگی و اجتماعی تغییر یافته و یا در حال تغییر است. به عبارت دیگر، باور به سهم مشارکت در بخش اجتماعی تنها اختصاص به این حوزه نداشته، بلکه در بخش خصوصی، خانوادگی و اجتماعی زنان روزنامه‌نگار نیز مورد توجه است. به اعتباری، زنان دانسته دست به انتخاب می‌زنند که این مهم، جدا از درک شرایط اجتماعی و اقتصادی نیست. زنان روزنامه‌نگار، واقعیت کم‌درآمد بودن روزنامه‌نگاری را پذیرفته و در آن فعالیت می‌کنند و آن را فرصتی برای ایجاد بستر دسترسی به قدرت و عدالت جنسیتی و کسب هویت می‌دانند.

ذکر دو نمونه از مصاحبه‌ها برای تأکید به پیچیدگی مسئله استقلال مالی ضروری است. یکی از روزنامه‌نگاران زن مورد مصاحبه، در مقطع دوساله (سال ۸۸ تا ۹۰) به دلایل محدودیت‌های سیاسی که باعث افت شدید و حتی قطع درآمد روزنامه‌نگاری‌اش شده بود، ناچار روزنامه‌نگاری را ترک کرد. در این دوره، او در مؤسسات پژوهشی کار کرد. از طرفی چون فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد بود، امکان کار در مؤسسه‌ای تحقیقی را پیدا کرد. بعد از سپری شدن آن دوره سخت و بازگشایی نسبی فضای سیاسی، از طرف یک روزنامه دعوت به کار شد. به این ترتیب، دوباره به شغل روزنامه‌نگاری برگشت (ش. ل). بازگشت به این حرفه، بابت پیشنهاد درآمد بیشتر نبود. مصاحبه‌شونده حدی از درآمد را داشت که بتواند به حرفه‌ای که برایش تحصیل کرده و در آن مهارت داشت بازگردد.

روزنامه‌نگار دیگری گفت دو بار روزنامه‌نگاری را به دلیل مسائل سیاسی ترک کرده است. وی در زمینه فرهنگ و هنر برای چند نشریه اصلاح‌طلب و مستقل به صورت ثابت و آزاد مطلب می‌نوشت. بار اول، بابت همکاری با یک شبکه فارسی‌زبان خارج از کشور در سال ۹۰ زندانی شد و به این ترتیب، از روزنامه‌نگاری بازماند. بعد از آزادی، توانست با اسم مستعار دوباره کار کند. این بار، سردبیرها به دلایلی که به نظرش «محافظه‌کارانه» می‌آمد، حاضر به استخدام او نشدند. در واقع، ترک روزنامه‌نگاری این بار از طرف کارفرما به او تحمیل شده بود. نکته قابل تأمل در این رویکرد، آن است که در شرایطی که کار روزنامه‌نگار زن به عنوان کار ارزان معروف است، سردبیران به دلایل خاص، از پذیرش کار ارزان یک روزنامه‌نگار زن طفره رفتند.

به دیگر سخن، سبک نوشتاری، نوع تحلیل و زاویه دید این روزنامه‌نگار، به شکلی بود که او را صرف نظر از جنسیتش به تهدیدی برای حیات یک مطبوعه اصلاح‌طلب در فضای محافظه‌کار رسانه‌ای می‌کرد. این روزنامه‌نگار به دلیل توانایی در «نوشتن» موفق شد در شغلی نزدیک به روزنامه‌نگاری برای خود کار پیدا کند. وی با بهره‌گیری از ظرفیت مهارت در فضای مجازی توانسته بود در شبکه‌های اجتماعی مجازی مشغول به کار شود. این مصاحبه‌شونده در زمان مصاحبه این تحقیق، با عنوان نویسنده خلاق در کافه بازار مشغول به کار بود، ولی هنوز خودش را روزنامه‌نگار می‌دانست. مصاحبه‌شونده در این زمینه گفت: «در توییتر و شبکه‌های اجتماعی دیگر می‌نویسم. خودم را آنجا روزنامه‌نگار می‌دانم، هرچند که حالا دو سال است که من درآمد ثابت از کار روزنامه‌نگاری ندارم، ولی فکر می‌کنم که از طریق توییتر و تلگرام می‌توانم کار روزنامه‌نگاری را دنبال کنم. نوشته‌هایم در حد خودم خوانده می‌شوند و بیننده دارند» (م. ر.).

روزنامه‌نگار دیگری نیز که شغلش را به دلایلی ترک کرده بود، می‌گوید:

«هرگز روزنامه‌نگاری را ترک نکرده‌ام، اما مقاطعی بوده که به دلیل شرایط سیاسی که این حرفه را تحت تأثیر قرار داده است، ناگزیر شده‌ام که فعالیت‌م را کمتر کنم. حداقل سال ۸۸ تا ۹۰ این تجربه برای من اتفاق افتاد و مشغول کارهای پژوهشی و مطالعاتی و نوشتن مقالاتی برای کتاب‌های مرجع مثل دایره‌المعارف‌ها شدم. این مقطعی بود که تعداد زیادی از روزنامه‌نگاران بیکاری را تجربه کردند. از سال ۹۰ با راه افتادن روزنامه‌های جدید برگشتم به تحریریه» و کارم را ادامه دادم. (س. ق.)

عدم ترک روزنامه‌نگاری برای روزنامه‌نگاران این پژوهش، به رغم تمام دشواری‌ها قابل تأمل

بود. روزنامه‌نگار دیگری گفت:

«روزنامه‌نگاری در ایران، برای همه روزنامه‌نگاران مصائب و مشکلات مشترکی دارد که همه آنها بسته به جنسیت نیست. یعنی عامل جنسیت در آنها معنادار نیست. برای مثال، محدود بودن مرزهای آزادی بیان، روزنامه‌نگاری دولتی و تحت نظارت شدید قوانین و خط قرمزهای قابل تفسیر، فقدان سازوکارهای صنفی که منجر به عقب‌ماندگی‌های حرفه‌ای، مشکلات معیشتی و مانند آنها شده است و عوامل دیگری هم می‌توان به اینها افزود. همه روزنامه‌نگاران چه زن و چه مرد در ایران با این شرایط مواجه‌اند. این دهه‌های اخیر، بحث معیشت مسئله اصلی است. درواقع، زندگی از راه روزنامه‌نگاری به‌سختی می‌گذرد و روزنامه‌نگاران زیرخط فقر رفته‌اند» این مسئله مهمی برای روزنامه‌نگاران است. (س.ل)

بالا بردن قدرت چانه‌زنی زنان برای تثبیت و ارتقای موقعیت شغلی

زنان ایرانی زیادی وارد حرفه روزنامه‌نگاری شده‌اند. همه مصاحبه‌شونده‌ها، همکاران زنی را به یاد می‌آوردند که این شغل را به‌دلایلی چون درآمد پایین، نداشتن امنیت شغلی، نداشتن بیمه و تسهیلات مادر شدن، مشکلات صنفی و حقوق بیکاری ترک کرده‌اند و شغل دیگری برای خود برگزیده‌اند، اما زنان مصاحبه‌شونده در این تحقیق، قابلیت‌هایی در خود و این حرفه دیده‌اند که روزنامه‌نگاری را بستری برای «بالا بردن قدرت چانه‌زنی اجتماعی» می‌بینند.

آنان ارتقای شغلی در این حرفه را شدنی می‌دانند و ویژگی‌های مثبت کاری در این حرفه را مورد اتکا قرار داده‌اند. آنها روزنامه‌نگاری را تقدیر خود می‌دانند و دارای نوعی الگوی مقاومت مخصوص به خود هستند. زنان روزنامه‌نگار، نوشتن یا خوانده‌شدن را حرفه خود می‌دانند و آن را فرصتی برای بیان عقاید و دغدغه‌ها و چالش‌های مبتلا به جامعه ذکر می‌کنند. این مهم، به این معناست که آنان گزینه‌های تغییر شغل فراوانی پیش رو ندارند، یا نمی‌خواهند داشته باشند، بلکه میل به روزنامه‌نگاری برای آنها یک هویت است.

هر کدام از این نکته‌ها که در بالا به آن اشاره شده، در کلام پرسش‌شونده‌ها قابل مشاهده است. یکی از روزنامه‌نگاران زن می‌گوید:

«این دلیل خوبی برای خانه‌نشینی زنان یا دست کشیدن از کار رسانه برای زنان علاقه‌مند نیست. زنان باید به خودباوری برسند و از فرصت‌های کمی که برای آنان وجود دارد، حداکثر استفاده را ببرند تا بتوانند نقش خود را به‌درستی در جامعه ایفا کنند» (ک.م).

خبرنگار زن دیگری در این خصوص می‌گوید:

«عرضه روزنامه‌نگاری همان جایی است که باید پیشرو بود و برای به‌رسمیت شناختن این برابری باشد، اما چنانچه می‌بینیم این ساختار آنچنان متصلب و وابسته به ساختارهای قدرت

است که نتوانسته در این زمینه‌ها مستقل عمل کند. زنان پشت این ساختارها متوقف می‌شوند، درحالی که در جای دیگر، در لایه‌های میانی و پایینی، تعداد زیادی از آنها هستند که روزنامه‌نگاری را پیش می‌برند» (ا.ج).

زن روزنامه‌نگاری در این خصوص می‌گوید:

«اگر ما بخواهیم، قطعاً می‌توانیم نگاه آنها را هم تغییر دهیم. چانه زنی درست را بلد نیستیم. گاهی فکر می‌کنیم زندگی شخصی ما ارجح است و داشتن سمّت، ما را از رسیدگی به آن باز می‌دارد، چون روزنامه‌نگاری کار وقت و بی‌وقت است و دبیری و سردبیری‌اش بیشتر. گاهی برای این کار، نیاز به همراهی و متقاعدشدن همسرانمان داریم که رخ نمی‌دهد. اعتماد به نفسمان کم است. زنان نگران‌اند که آیا در یک سمت مدیریتی می‌توانند به‌خوبی از عهده کار برآیند؟ آنها بابت این فقر تجربه تاریخ، کمال‌گرا شده‌اند، درحالی که شاید ده‌ها مرد باتجربه و دانشی کمتر از ما بارها بر صندلی دبیر و سردبیر نشسته‌اند. زنان نگران‌اند که چشم‌هایی از داخل و بیرون عملکرد آنها را در سمت یک مدیر چطور ارزیابی می‌کنند» (ب.م).

ارتقای شغلی با مسیری کند برای زنان

تعداد زنان شاغل در نشریات و مطبوعات، بیشتر از تعداد زنان شاغل در پست‌های کلیدی مطبوعات مانند دبیری سرویس، دبیری یا مدیرمسئولی است. از میان چهار مصاحبه‌شونده زن این تحقیق، سه تن از آنها پست سردبیری یا دبیری نشریات مختلف تهران را بر عهده داشتند. آنها در زندگی شغلی‌شان، خود را اول به‌عنوان یک روزنامه‌نگار و در حد و اندازه یک شاغل حرفه‌ای در روزنامه درک کرده‌اند؛ آنها زن بودنشان را در مقام بعدی مورد توجه قرار داده بودند. برای مثال در پاسخ‌هایشان به سؤالات مشکلات روزنامه‌نگاری، اولین تأکید مصاحبه‌شونده‌ها بر مشکلات صنفی، مشکلات سیاسی، قضایی و حقوقی کار روزنامه‌نگاری در ایران بود. همچنین آنها وجود تبعیض شغلی مثلاً اعزام نشدن به مأموریت بین‌المللی یا ارتقای شغلی کند «خصوصاً در نشریات دولتی» (ک. م) را تأیید می‌کردند و به‌وجود «تبعیض درآمدی» نیز اشاره داشتند (ش. ل)، اما هیچ‌کدام از این موارد باعث نشده بود که در زندگی شغلی‌شان رسیدن به پست دبیری یا سردبیری را محال یا نشدنی قلمداد کنند. این پاسخ‌ها حکایت از تغییر گفتمان قدرت؛ چه به‌لحاظ جنسیتی و چه به‌لحاظ حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری دارد. آنها در یک ارزیابی جدید از قدرت، ضرورت حضور و کسب فرصت‌های تازه را باور کرده‌اند.

به این ترتیب، با اینکه برخی معتقدند که روزنامه‌نگاری سقفی شیشه‌ای دارد، این تحقیق نشان می‌دهد که گفتمان قدرت مدرن (مسئولیت‌پذیری، دقت بالا در خبرنگاری، تحصیلات و حرفه‌ای بودن زن روزنامه‌نگار) به گفتمان قدرت کلاسیک (مدیران مرد مطبوعات که به دنبال نیروی کار ارزان هستند و روزنامه‌نگاران مردی که کار مدیریتی را در توان زنان نمی‌بینند) شکلی جدید می‌دهد. در دوره‌های قدیم، دایره قدرت در مطبوعات به گفتمان مردانه نزدیکی داشت. در واقع، گفتمان تبعیض جنسیتی بر آن حاکم بود. در این گفتمان، به دلیل تبعیض فاحش جنسیتی، مدیریت برای زنان ممکن نبود و فضایی دور از ذهن محسوب می‌شد، اما در کارکرد گفتمان‌های جدید، دسترسی به قدرت برای زنان روزنامه‌نگار شکلی دیگر پیدا کرد. روزنامه‌نگار زن دیگری می‌گوید:

«نگاه از بالا به پایین به یک زن و طرح این پرسش که آیا یک زن می‌تواند عهده‌دار مسئولیتی در حوزه مطبوعات شود، من را آزار داده است. متأسفانه این نگاه، شاید در بعضی از سال‌ها از طرف بعضی دوستانی بوده که تفکر غالبشان برای خود من محترم و قابل الگوبرداری بوده، اما در این ماجرا، ظاهراً این کلیشه‌ها همچنان به قوت خود باقی است. سال‌ها این مسیر را آمده‌ام و در تمام این سال‌ها که سردبیرها و دبیرهای متعددی را در کارم داشته‌ام، خیلی غم‌انگیز است که در یک مورد دبیر من خانم بود و اتفاقاً در مقطعی که با او کار کردم، از او بهترین‌ها و کار و زندگی را یاد گرفتم. در بقیه مواقع، این مردان بودند که بالادست بودند؛ البته که آنها هم استاد بودند، اما همیشه برایم این سؤال بود که چرا در یک جمع بزرگ، نهایتاً یک یا دو نفر در سطح دبیر (نه سردبیر) قرار دارند. به مرور ما جلو رفتیم و زنانی بودند که با توانمندی‌های ثابت‌شده، اما باز برای ثابت شدن مجدد جنگیدند و خودشان به دنبال احقاق حقشان رفتند و کسی به کمک آنها نیامد» (ک.م).

عدم ارتقا شغلی مسئله‌ای جدی در میان روزنامه‌نگاران زن است. برخی از آنها با رویکرد کلیشه‌های جنسیتی آن را به تصویر کشیده‌اند و برخی با اتکا به تجارب شخصی خود، با وجود عبور از این مرحله، برای آنها با اهمیت است. یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید:

«به ندرت در گزینه‌هایی که برای سردبیری و دبیری تحریریه‌ها روی میز است، زنان پیشنهاد می‌شوند. همان‌طور که به ندرت مدیران سازمان‌های رسانه‌ای برای زنان و مردان در پست‌های سازمانی مشابه حقوق‌های یکسان در نظر می‌گیرند. بخش قابل توجهی از کاری که امروز در حوزه رسانه در ایران انجام می‌شود، برعهده زنان است. آنها چیزهای زیادی را

تغییر داده‌اند. من فکر می‌کنم، زنان روزنامه‌نگار در دهه‌های اخیر، ساختارشکن، جسور و فراتر از اینها روزنامه‌نگارانی شجاع بوده‌اند، اما در مورد جایگاه و حقوق صنفی‌شان نتوانسته‌اند به برابری برسند» (س.ک).

کار اخلاقی، لطیف و حرفه‌ای زنان

همه‌ی مصاحبه‌شوندگان مرد این تحقیق، کار زنان را به دلیل «احساس مسئولیت بالا» باکیفیت‌تر از مردان روزنامه‌نگار ارزیابی کرده بودند. از نظر یکی از مصاحبه‌شونده‌ها چون کار در تحریریه و خبرنگاری، نیاز به دقت زیادی دارد و «زنان به‌خاطر شرایط تاریخی تلاش می‌کنند کار کیفی و بهتری انجام دهند». وی می‌گوید:

«به‌این‌ترتیب، در این شغل بیشتر دیده می‌شوند. در شغل‌هایی که نیاز به رهبری و مدیریت دارد، مردان توانایی بیشتر دارند. از این جهت، زنان کمتری در نوع مشاغل رده بالای مدیریتی مطبوعات دیده می‌شوند. زنان به‌دلیل استرس‌ها و گرفتاری‌های مشاغل مدیریتی، تلاش زیادی برای تصدی این شغل‌ها نمی‌کنند. همچنین برای زنان، کار حرفه‌ای اهمیت بیشتری دارد تا داشتن پست بالاتر» (آ.ج).

توجه به این نکته ضروری است که اگرچه کار زنان، اخلاقی و دقیق ارزیابی می‌شود، اما همچنان باورهای منطبق بر گفتمان جنسیتی در روزنامه‌نگاری وجود دارد. برای مثال، تقسیم‌بندی شغلی هنوز در میان روزنامه‌نگاران مرد تحصیلکرده و جوان وجود دارد. قرار دادن خصوصیات ریزبینی و لطافت در تقابل با قابلیت مدیریتی (که کاری زمخت تعریف شده) از این نگاه نشئت می‌گیرد. به‌این‌ترتیب، همین‌طور که زنان در حال مبارزه و تغییر شکل گفتمان جنسیتی نسبت به «یک زن روزنامه‌نگار» هستند، بعضی از مردان روزنامه‌نگار به‌طور هم‌زمان به بازتولید و تحکیم گفتمان جنسیتی در روزنامه‌ها مشغول‌اند.

خبرنگار مرد دیگری در رابطه با زنان روزنامه‌نگار سه مسئله اصلی را برای آنها تبیین می‌کند؛ ۱- مشکلات عمومی حوزه کسب‌وکار در ایران، ۲- مشکلات مربوط به حضور زنان در جامعه و محیط کار و ۳- مشکلات ناشی از کار سخت خبرنگاری. وی تأکید کرده: جمع شدن این سه گروه از مشکل بر روی هم، باعث می‌شود که ما زنان خبرنگار را جزو مظلوم‌ترین و آسیب‌پذیرترین قشرها جامعه بدانیم. به‌کارگیری عبارتهای «آسیب‌پذیر» و «مظلوم» برای زنان خبرنگار از نگاه این روزنامه‌نگار، قابل تأمل است. به‌رغم آنکه این خبرنگار در مقام کسب خبر و خبرنگاری با همکاران زن خود دارای نقاط مشترک است، اما در تبیین شرایط آنها از

همان عبارتی استفاده می‌کند که در جامعه نسبت به زنان رایج است. در این میان، توجه به این نکته قابل تأمل است که روزنامه‌نگاران مرد مورد پرسش واقع شده، برخاسته از فضای فرهنگی اجتماعی جامعه‌ای هستند که رویکرد خاصی نسبت به زنان دارند. آنها با توجه به فرهنگ زیسته، ارزیابی و اعلام نظر می‌کنند.

باور زنان به تقدیر روزنامه‌نگاری

در بررسی صورت گرفته در این تحقیق، روزنامه‌نگاران زن مصاحبه‌شونده، حتی مصاحبه‌شوندگانی که در زمان مصاحبه در مطبوعات مشغول به کار نبوده‌اند، برای ماندن در این شغل در مقاطع مختلف زندگی شغلی، به شدت در حال مبارزه بوده‌اند. چالش‌های مختلف عرصه روزنامه‌نگاری و ضرورت رفع آنها از دغدغه‌های اصلی روزنامه‌نگاران مورد پرسش قرار گرفته بود. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران مورد بررسی، موفقیت در رفع چالش‌ها را ناشی از عزم زنان برای موفقیت و استحکام در برابر مشکلات می‌دانستند. یکی از مصاحبه‌شونده‌ها اگرچه به صورت اتفاقی روزنامه‌نگاری را انتخاب کرده است و با ورود به این حرفه با وجود مشکلاتی چون نبودن «صنف مشخص» یا «بیمه» به آن علاقه پیدا کرده، ترجیح داده که در این شغل بماند. وی روزنامه‌نگاری را به نسبت مشاغل اداری و مدیریتی کم‌درآمد و نامطمئن می‌بیند و حس «مفید بودن در این شغل» را مانع اصلی ترک آن ذکر کرده است (م. گ).

مصاحبه‌شونده دیگری گفت با وجود اینکه خانواده‌اش مایل به تحصیل او در رشته روزنامه‌نگاری و اشتغال در این حرفه نبوده‌اند، اما وارد این حرفه شد و گاهی این سؤال را از خود می‌پرسد که آیا بهتر نبوده شغل پزشکی یا مشاوره را انتخاب می‌کرد؟! به هر حال او همچنان در این شغل، نهایت کوشش خود را کرده و در آن مانده است (ک. م).

روزنامه‌نگاری برای همه روزنامه‌نگاران از جمله زنان با مشکلات سیاسی نیز همراه بوده است. یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌ها که کار روزنامه‌نگاری را با تحصیل در این رشته آغاز کرده است، تأکید می‌کند که چون روحیه «جستجوگر» و «آرمان‌گرای» دارد، ماندن در این حرفه برایش میسر شده است. وی می‌گوید: «وقتی وارد دانشگاه شدم، مصادف با روی کار آمدن سید محمد خاتمی بود، آن روزها فکر می‌کردم این راه پایانی ندارد، هنوز هم همین فکر را می‌کنم. کسی که روزنامه‌نگار می‌شود، یکسره در جستجو و کسب تجربه است و این نمی‌توانست مسیر ملال‌آور و عبثی باشد. این راه زندگی من شد و روزنامه‌نگار شدم (ش. ل).

نکته مهم و مشترک در تمام این مصاحبه‌ها این است که زنان، «ماندن در روزنامه‌نگاری» را مانند یک تقدیر غیرقابل تغییر تعریف کرده‌اند؛ چه روزنامه‌نگارانی که از طریق تحصیل روزنامه‌نگاری وارد این حرفه شده‌اند و چه آنها که به‌طور اتفاقی آن را انتخاب کرده‌اند، روزنامه‌نگاری را بخشی از هویت و تقدیر حرفه‌ای، حسی و آرمانی خود می‌دانند.

در اینجا توجه به این نکته قابل‌تأمل است که نظام قدرت با اتکا به گفتمان مسلط، ادبیاتی از جنس پذیرش و انقیاد را به تابعین القا می‌کند. ادبیاتی که مبانی نظری آن به‌روشنی در معادلات قدرت و گفتمان مسلط تبیین شده است. در این میان، زنان روزنامه‌نگار، به‌رغم فشارهای بیرونی مانند درآمد پایین یا تبعیض جنسیتی، چون به‌طور همزمان آگاهی حرفه‌ای و جنسیتی دارند، به انقیاد در نمی‌آیند و برای خود تقدیر «ماندن در روزنامه‌نگاری» را انتخاب می‌کنند. آنها با انتخاب این شغل و ماندن در این شغل، دو هدف را همزمان مورد توجه قرار داده بودند: اولاً آنکه آنها این شغل را پاسخی برای دورافتادگی از اتفاقات تأثیرگذار در جامعه و حضور در بطن وقایع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی یافته‌بودند و این حس مفید بودن اجتماعی برای آنها انگیزه‌ای قوی برای ادامه فعالیت بود. دوم آنکه زنان روزنامه‌نگار مورد بررسی، به‌منظور ارتقای آگاهی جنسیتی و درک مفهوم قدرت در اتصالی از جنس «حضور» و «دیده شدن» صاحب قدرتی برای چانه‌زنی در جهت ارتقاء یا تثبیت موقعیت اجتماعی و حرفه‌ای شده بودند. آگاهی جنسیتی از یک‌سو، و آگاهی حرفه‌ای از سوی دیگر، رابطه آنها با خودشان و جهان پیرامونشان را در بستری از دنیای جدید زندگی حرفه‌ای و حتی شخصی قرارداداده بود.

در یکی از مصاحبه‌ها، مصاحبه‌شونده زنی به این مسئله تأکید کرد که در ابتدای تحصیل روزنامه‌نگاری از استادی پیشکسوت آموخته که «مهم نیست که چند صبحی اسم شما در روزنامه بخورد، مهم این است که چقدر تاب بیاورید و روزنامه‌نگار بمانید» (ش. ل). به‌این ترتیب، نه‌تنها دیده شدن، بلکه استمرار بر دیده شدن، حاصل این آگاهی جنسیتی و حرفه‌ای است. زنان روزنامه‌نگار با خود تعهد کرده‌اند تا در این راه به‌زعم آنان «بی‌پایان» بمانند.

زنان و داشتن الگوی مقاومت

از نکات دیگری که در مصاحبه‌های زنان تکرار شده است و در خود دسته‌بندی ویژه‌ای را تشکیل داده، این است که چطور زنان چالش‌های روزمره ماندن در حرفه روزنامه‌نگاری را

مدیریت می‌کنند. الگوی آنان مقاومت است و هر کدام از زنان مصاحبه‌شونده روشی برای آن داشته‌اند. در کل، همه به یک نوع مدل مقاومت دست‌یافته‌اند. به عبارت دیگر، با توجه به اینکه روزنامه‌نگاری شغل پر درآمدی نیست، امنیت شغلی بالایی ندارد و مسائل سیاسی می‌تواند این شغل را تهدید کند، باز هم زنان خبرنگار، ماندگاری در این شغل را ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر، کندی ارتقای شغلی در فضای روزنامه‌نگاری به همراه وجود نوعی نگرش جنسیتی و دغدغه مسئولیت خانوادگی، جملگی موانعی پیش روی آنها بوده. نیرویی که زنان را به ماندن در این حرفه تشویق می‌کند، الگوی آنان برای مقاومت و درصحنه‌ماندن است.

در بررسی مصاحبه‌ها، یکی از روزنامه‌نگاران که حمایت خانواده را در انتخاب شغل روزنامه‌نگاری نداشته است، اما دارای الگوهای دیگری برای مقاومت بوده است، می‌گوید که از سوی یکی از استادان دوره تحصیلی کارشناسی ارشد خود تشویق شده و از سوی همسرش نیز همیشه درک شده است (ک. م). روزنامه‌نگار دیگری تأکید داشت که همیشه خانواده‌اش از او حمایت کرده‌اند (م. گ). یکی دیگر از مصاحبه‌شونده‌های زن تأکید کرده است که بابت تأثیری که از یک روزنامه‌نگار پیشکسوت گرفته در این حرفه مانده است (ش. ل). به اعتقاد آنان روزنامه‌نگاری راهی است که برای بعضی‌ها بازگشتی ندارد.

یکی از روزنامه‌نگاران زن در همین زمینه گفت:

«فکر می‌کنم من جزو گروهی هستم که همیشه همین کار را انجام می‌دهم. من همیشه روزنامه‌نگارم. البته بارها به این موضوع فکر کرده‌ام که آیا باید این کار را با این همه مشقت هایش رها کرد و راه دیگری پیش گرفت یا نه؟» (آ. ک).

روزنامه‌نگار دیگری در این خصوص می‌گوید:

«من تصور می‌کنم خبرنگاری؛ یعنی عشق به میهن، یعنی عشق به مردم و با تمام وجود برای حل معضلات و مشکلات موجود تلاش کردن و گوشه‌ای از کار را گرفتن. اگر بارها و بارها به گذشته برگردم، دوباره روزنامه‌نگار و خبرنگار خواهم شد؛ زیرا من به کارم عشق می‌ورزم و با علاقه قلم می‌زنم» (ش. ل).

خبرنگار زن دیگری در این خصوص، داشتن الگوهایی چون خبرنگاران حرفه‌ای را مصداقی از این مهم دانسته است؛

«شاید از خوش‌شانسی من بود که اوایل کارم با بزرگانی مثل یونس شکرخواه، مسعود شهبازی‌پور، فریدون صدیقی، مرتضی کریمی‌ان و... سروکار داشتم؛ چراکه حرف‌ها و

آموزش‌هایشان، من را جسورتر می‌کرد. خبرنگاران باید زیردست افراد حرفه‌ای تجربه کسب کنند. از طرفی دیگر قلم‌های مختلف را ببینند و گزارش‌های گوناگون را بخوانند» (آ.گ).

تخصص نوشتن در زنان یک فرصت است

یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق - که در همه مصاحبه‌ها با زنان روزنامه‌نگار تکرار شده این است که روزنامه‌نگاری، تخصصی خاص در آنها پدید آورده که به راحتی قابل استفاده در حرفه دیگری نیست. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان:

«اگر یک پزشک کارش را در یک بیمارستان از دست بدهد، احتمالاً می‌تواند مطب شخصی خودش را افتتاح کند، یا در دانشگاه یا مراکز آموزشی واحدهایی را تدریس کند. انتخاب‌های یک پزشک به نسبت، متعدد است؛ چون کارش طبابت است و می‌تواند در مراکز مختلف معلومات و حرفه‌اش را ارائه کند، اما اگر روزنامه‌نگاری شغلش را ترک کند، از عهده چه شغلی دیگری به خوبی «نوشتن» برمی‌آید؟ «نوشتن» کار و حرفه روزنامه‌نگاران است. قابلیت نوشتن را تنها در رشته‌های رسانه‌ای و نزدیک به آنها می‌توان به کاربرد^۱ ماندن در این حرفه، در واقع، به این دلیل است که روزنامه‌نگار بعد از داشتن سابقه در آن نمی‌تواند به یک‌باره آموخته‌هایش، حوزه مطالعه و تجربه‌اش و همچنین مخاطبانش را از دست بدهد (س.ق).

زن روزنامه‌نگاری که دیگر در این شغل نیست می‌گوید:

«یکی از بهترین تجربه‌های زندگی من کار خبرنگاری بود. من ادبیات اسپانیایی خوانده بودم و در دوره آقای خاتمی وارد مطبوعات شدم. سال ۱۳۸۷ در سرویس اجتماعی روزنامه «اعتماد» مشغول به کار بودم و در حوزه زنان مطالبی می‌نوشتم که خیلی بازخورد پیدا می‌کرد؛ یعنی اگر من روزنامه‌نگار نبودم، چنین فرصت‌هایی را پیدا نمی‌کردم. بنابراین همیشه مدیون این کار هستم» (ر.م).

بیشتر مصاحبه‌شونده‌های زن این تحقیق، تجربه ترک کار روزنامه‌نگاری و رجوع مجدد به آن را داشته‌اند و معتقد هستند که ترک این حرفه، به دلیل محدودیت‌های ناشی از عدم وجود فضای مطلوب کاری و موقعیت مناسب برای کار بوده است. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این زمینه گفت: «مدیران بالایی در آن سال‌ها از افراد غیرمتخصص انتخاب شده بودند و مدیر جدید ترجیح می‌داد با گروهی که با او همفکر بودند، کار کند» (ک.م).

^۱مانند زن روزنامه‌نگاری که پیش از این به آن اشاره شد که در مقطعی در یک مؤسسه پژوهشی مشغول به کار شد.

همین مصاحبه‌شونده، دلیل دیگر ترک کار خود را علاقه به ادامه تحصیل در یک فضای بین‌المللی دانسته و اشاره کرد: «در آن موقعیت زمانی، برای مدتی به تحصیل در خارج از ایران پرداختم، اما تصمیمم در واقع نهایی نبود». این روزنامه‌نگار بعد از تجربه تحصیل، بار دیگر با توجه به تغییر در فضای روزنامه‌نگاری وارد این عرصه شده، وی می‌گوید: «قلباً نمی‌توانستم از روزنامه‌نگاری دست بردارم».

مصاحبه‌شونده مذکور، به ما گفت:

«آدم به مرور زمان فوت‌وفن‌ها را یاد می‌گیرد و من سال‌ها عمر پای روزنامه‌نگاری گذاشتم. دل کندن از این حرفه واقعاً اراده بزرگی می‌خواهد. جذابیت این حرفه هنوز برایم بیشتر از تحصیل یا یک شغل دیگر است. البته من هنوز هم در تقلا هستم و با خودم در جنگم. بعد از آن وقفه، توانستم دوباره به شرایط خوب کاری برگردم. عشق روزنامه‌نگاری مرا برگرداند، اما این سؤال‌ها و چالش‌ها هنوز هم هست» (ک. م).

روزنامه‌نگار دیگری که از فعالیت روزنامه‌نگاری کنار رفته است، می‌گوید:

«ناخودآگاه دلم می‌خواهد قلم به‌دست بگیرم و راجع به آن بنویسم. زندگی کارمندی نبود که حالا بگویم تمام شد و رفت. هنوز هم بخشی از قلبم و دغدغه‌هایم یک روزنامه‌نگار است» (م. ر).

وی می‌گوید هنوز نوشتن وسوسه‌انگیز است و تأکید می‌کند اگر یادداشت بنویسم، دلم می‌خواهد بیشتر کار کنم و گزارشی بنویسم؛ چون یادداشت‌نویسی خوب است، اما هیچ‌وقت جای یک گزارش پر و پیمان را پر نمی‌کند.

در این خصوص، به نظر می‌رسد که یکی از دلایل ماندن زنان در روزنامه‌نگاری، آن است که آنان دارای مهارت خاصی شده‌اند که به آن عشق می‌ورزند. در واقع، مهارت نوشتن در روزنامه‌ها و خبرگزاری‌ها مهارت خاصی است که پرسش‌شونده‌ها می‌توانستند به‌رغم تنوع کاری محدود، از آن در مؤسسات پژوهشی و همچنین شبکه‌های اجتماعی و وسایل جمعی دیگر بهره بگیرند. به عبارت دیگر، شاید یکی از دلایلی که زنان را به ماندگاری در این حوزه تشویق می‌کند، نوشتن است. بررسی این مهم، مؤید آن است که این یک مسئله فراجنسیتی است چون مهارت نوشتن مختص زنان نیست و موضوعی است که در حوزه مردان نیز قابل تسری می‌باشد، اما برای زنان متفاوت است؛ چراکه آنها ابزاری قدرتمندی را به‌دست آورده‌اند که قادر است ذهن آنها را در قالب کلمات بیاورد و موجب انتقال اندیشه و پیام آنها به دیگران شود. زنان روزنامه‌نگار با درک ابزار قدرت خود؛ یعنی نوشتن و اتکا به آن، می‌توانند تخصصی و حرفه‌ای

بودن خود را به‌عنوان ابزار قدرت خود برای حضور در مطبوعات به‌کار گیرند و با استقامت در جستجوی فرصت‌های تازه برای ارتقاء باشند. روزنامه‌نگاران و خبرنگاران زن با در اختیار گرفتن مهارت نوشتن از عرصه‌های متناظر روزنامه‌نگاری بهره گرفته و فرصت آن را دارند تا در شرایط مساعد، از ظرفیت‌های مهارتی خود برای انتقال مفاهیم مختلف به روش نویسندگی بهره ببرند. در واقع، آنچه روزنامه‌نگاران و زنان کنارکشیده از این شغل را به‌سوی فعالیت مجدد هدایت می‌کند، مهارت نوشتن آنهاست. به بیان دیگر، هم نوشتن و هم خوانده‌شدن کار آنهاست.

بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله، در پی تحلیل دلایل ماندن زنان روزنامه‌نگار ایرانی در حرفه روزنامه‌نگاری، با وجود مشکلات صنفی و اجتماعی کار مطبوعاتی است. از آنجا که بررسی‌ها و تحلیل‌های کمی و مقایسه‌های آماری حضور زنان در روزنامه‌نگاری امکان لازم برای فهم دلایل زنان، جهت ادامه کار خبر و خبرنگاری ایجاد نمی‌کرد، نویسندگان این مقاله بر آن شدند تا با به‌کار بستن روش کیفی و با استفاده از نظریه مبنایی و مصاحبه عمیق با تعدادی از روزنامه‌نگاران مطبوعات تهران این موضوع را واکاوی کنند.

این پژوهش، ادعا ندارد که یافته‌هایش قابل‌تعمیم به تمام زنان مشغول به‌کار در مطبوعات ایران است، اما براساس تحلیل مصاحبه‌های این تحقیق، می‌توان دو دلیل عمده، این پدیده را مورد بحث قرار داد؛

اول اینکه کار روزنامه‌نگاری زنان آنها را قادر می‌کند که تا حدی استقلال مالی داشته باشند و اگرچه عمدتاً دستمزد آنان پایین‌تر از همکاران مرد خود است، آنها خود را با این امر سازگار کرده‌اند، اما این توقع کم باعث نشده است حقوقی پایین‌تر از حد مشخصی یا قطع حقوق را تاب بیاورند.

به دلیل ساختار سنتی خانوادگی و اجتماعی ایران از زنان توقع نمی‌رود تأمین‌کننده هزینه‌های خانواده خود باشند؛ به این معنی، زن روزنامه‌نگار می‌تواند برای رسیدن به آرمان‌هایش در عرصه‌ای سخت و طاقت‌فرسا وارد شود و در آن دوام بیاورد؛ بدون اینکه (یا با فشار کمتری) خانواده از او توقع برآوردن تمام نیازهای اقتصادی را داشته باشد. براساس مصاحبه‌های انجام‌شده، مسئله اقتصادی، دلیل اول ترک این حرفه نبوده است، اما عنصری فاقد اهمیت نیز نبوده است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که زنان روزنامه‌نگار، حاضر نمی‌شدند هر

دستمزدی را قبول کنند یا رایگان کار کنند. این امر، در الگوی رفتاری زنان مصاحبه‌شونده به صورت مداوم دیده شد. به‌طور مثال، گزینه‌هایی چون ادامه تحصیل، کار در مؤسسه پژوهشی یا کار در رسانه‌های مجازی، قدرت چانه‌زنی این زنان برای دریافت دستمزد عادلانه بود. این گزینه‌ها ابزارهایی برای حفظ یا برگشت به شغل روزنامه‌نگاری نیز بوده‌اند.

دومین دلیل زنان برای باقی ماندن در حرفه روزنامه‌نگاری، این است که تجربه روزنامه‌نگاری به زنان قدرت چانه‌زنی برای تثبیت و ارتقای موقعیت شغلی خود را داده است. این دلیل، در پنج نکته بحث شد:

- ۱- زنان دریافته‌اند که امکان ارتقای شغلی در روزنامه‌نگاری اگرچه کند است، اما ممکن است.
- ۲- زنان با ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، ریزبینی و اخلاق‌مداری و معروف شدن به آن حتی در میان مردان همکار خود، خویشتن را تبدیل به نیروی کار حرفه‌ای و موردنیاز بازار کار روزنامه‌نگاری ایران کرده‌اند. البته که از نشانه‌های دیگر روزنامه‌نگار زن در این بستر معنایی، به‌طور مثال «نیروی کار ارزان»، نیز هست، اما بررسی مصاحبه‌های این تحقیق، نشان داد که زنان با باور به حرفه‌ای بودن خود، به اهمیتشان به‌عنوان یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای تأکید داشتند.
- ۳- روزنامه‌نگاران زن با علم به درآمد پایین، وارد این حرفه شده‌اند و در آن مانده‌اند، چون این راه را انتخاب کرده‌اند. همچنین چون زنان، سابقه و مهارت در حرفه روزنامه‌نگاری را پیدا کرده‌اند، و دل‌بسته این حرفه شده‌اند، به‌راحتی نمی‌توانند روزنامه‌نگاری را ترک کنند. به دیگر سخن ماندن در روزنامه‌نگاری را به‌عنوان یک تقدیر پذیرفته‌اند.
- ۴- روزنامه‌نگاران زن، الگوهایی برای برآمدن از پس چالش‌ها و تصمیم‌گیری در مقاطع حساس و ماندن در این شغل داشته‌اند. برای بعضی از آنها حمایت والدین، یا همسر، یا توصیه‌ها و تشویق‌های استادها و پیشکسوتان روزنامه‌نگاری مشوق بوده است. در قالب این الگوها، آنها تاب آورده‌اند تا به تغییر یا تثبیت موقعیت حرفه‌ای خود و تغییر روابط قدرت حاکم در مطبوعه محل کار خود بپردازند.
- ۵- چون مهارت اصلی روزنامه‌نگار، نوشتن است، خیلی سخت است که یک روزنامه‌نگار بعد از چندسال سابقه، کارش را ترک کند و شغل دیگری را برگزیند که در آن مهارتی ندارد. به‌این‌ترتیب، حتی اگر روزنامه‌نگاران زن این شغل را در مقطعی ترک کرده‌اند، اما باز به شغلی پرداخته‌اند که با نوشتن نسبت نزدیکی داشته است. به‌این‌ترتیب تخصص نوشتن (یا

خوانده شدن) باعث شده آنها در این حرفه بمانند. روزنامه‌نگاری جدا از تعلق خاطر، فرصتی است که می‌تواند به‌طور مداوم آگاهی روزنامه‌نگار را افزایش دهد و فرصت خوانده شدن را بیشتر فراهم کند.

بدون شک، دلایل زیادی وجود دارد که زنان روزنامه‌نگار ایرانی با وجود مشکلات، در این شغل باقی می‌مانند. این تحقیق، توانسته دو دلیل را عیان سازد؛ روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای است که اگرچه مخاطراتی دارد، اما حدی از «استقلال مالی» و «قدرت چانه‌زنی» را به یک زن روزنامه‌نگار می‌دهد تا فرد بتواند برای تثبیت و ارتقای شغلی‌اش تلاش کند. این دو دلیل می‌توانند ابزار زنان، برای کسب عدالت جنسیتی در فضای اجتماعی باشد.

در گزارشی که روزنامه «همشهری» در سال ۸۷ ارائه کرده است، در آمریکا میانگین دستمزد برای خبرنگاران تازه‌کار ۲۲۰ دلار در ماه و برای خبرنگاران حرفه‌ای ۴۰۰ دلار است. در حالی که حداکثر میزان حقوق دبیران سرویس روزنامه‌های ایران به‌سختی به ۸ هزار دلار در سال می‌رسد. «همشهری»، براساس آخرین آمارهای جهانی، متوسط حقوق روزنامه‌نگاران در جهان را ۳۵ هزار دلار در سال برآورد می‌کند و بیان می‌کند کمترین میزان دستمزد برای روزنامه‌نگاران غیرحرفه‌ای و افرادی که کمتر از یکسال سابقه کار دارند و دوره‌های کارآموزی را سپری می‌کنند یا تازه این دوره‌ها را به اتمام رسانده‌اند، هزار دلار در ماه است. این مهم، نشان‌دهنده پایین بودن نرخ دستمزد این حرفه در ایران، در حدود یک دهه پیش است، اما اکنون نیز به‌رغم بالا رفتن دستمزدها همچنان این رقم پایین می‌باشد. این مسئله، در خصوص زنان بیشتر هم هست؛ به‌رغم آنکه زنان از نظر تحصیلات معمولاً رتبه‌های نسبتاً مناسب دانشگاهی را دارا می‌باشند، اما از نظر دستمزد، در شکاف جدی به‌سر می‌برند.

بر اساس آخرین خبرها در سال جاری، دستمزد دبیران صفحه در روزنامه «شرق» - که یکی از بزرگ‌ترین روزنامه‌های غیردولتی می‌باشد - ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و خبرنگاران این صفحه‌ها نیز به شکل متوسط ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند، که این رقم با توجه به وضعیت تأهل و تعداد فرزندان متغیر است، اما به شکل متوسط تمامی کارکنان این روزنامه در ماه، حدود ۱۵۰ میلیون تومان دستمزد دریافت می‌کنند و حدود ۴۷ میلیون تومان بیمه پرداخت می‌شود. این مهم در کنار محدودیت ارتقای شغلی زنان قابل توجه است؛ به‌طوری که به اعتبار آمارها براساس آمار خبرگزاری «ایسنا» در سال ۱۳۹۷، در طول سه دهه گذشته، حدود هزار و ۴۰۰ نفر از مدیرمسئولان و صاحب‌امتیازان مطبوعات ایران زن بوده‌اند (خبرگزاری

ایسنا، ۱۳۹۷)، اما تعداد دبیران و سردبیران، شاید آنقدر محدود است که دسترسی به آماری دقیق، دشوار باشد.

در نهایت، این پژوهش به این عبارت تأکید دارد که روزنامه‌نگاری برای زنان روزنامه‌نگار مورد پرسش واقع شده، به‌رغم تمام چالش‌ها فرصتی برای ایجاد تغییر در فضای فرهنگی - اجتماعی است. آنان با اتکا به مهارت‌های ناشی از فعالیت در این حوزه، در صدد تثبیت توانایی و کسب قدرت چانه‌زنی و دسترسی به عدالت جنسیتی هستند. در همین راستا عقاید شخصی و حمایت خانوادگی، عامل انگیزه‌بخشی برای تداوم کار برای زنان روزنامه‌نگار بوده است و آنچه آنها را به شکل بارزی مجاب کرده تا در این شغل بمانند، حرفه‌ای بودنشان است؛ به تعبیر دقیق تر، روزنامه‌نگار بودن، آنها را ترغیب می‌کند تا به شکل عملی نه‌تنها علیه تبعیض جنسیتی، بلکه علیه تبعیضی که بر آنها به‌عنوان روزنامه‌نگار تحمیل می‌شود، حرکت کنند.

سؤالات پژوهش

جدول ۱-۱ (سؤالات مطرح‌شده از زنان و مردان روزنامه‌نگار و زنانی که این حرفه را ترک

می‌کنند)

| سؤالات از زنانی که روزنامه‌نگاری را ترک کردند | سؤالات از مردان روزنامه‌نگار | سؤالات از زنان روزنامه‌نگار |
|---|---|---|
| ۱. چطور شد که برای مدتی شغل روزنامه‌نگاری را انتخاب کرده بودید؟ | ۱. حضور زنان را در نشریه خود چطور می‌بینید؟ از اخلاق کاری و رده شغلی‌ای که دارند بگویید. | ۱. چرا حرفه روزنامه‌نگاری را انتخاب کردید؟ دلیل شخصی شما چه بود؟ |
| ۲. از تجربه روزنامه‌نگاری‌تان و مشکلات و لذت‌هایش بگویید. | ۲. چرا تعداد روزنامه‌نگاران زن با وجود مشکلات زیاد این حرفه بیشتر شده است؟ چرا این شغل برای خانم‌ها جالب است؟ | ۲. مشکلات این حرفه چه هستند؟ |
| ۳. چرا این شغل را ترک کردید؟ | ۳. حضور زنان در پست‌های کلیدی نشریات کم‌رنگ است. براساس تجربه شما دلیل چیست؟ | ۳. آیا تا به حال به شغل دیگری فکر کردید که ممکن بود برای شما آینده بهتری رقم زند؟ اگر بله چه شغلی؟ |
| ۴. شغل جدید چه مزیت‌هایی دارد؟ | ۴. می‌شود اسم چهار روزنامه‌نگار خوب ایرانی را بدون اهمیت دادن به جنسیتشان بگویید؟ | ۴. آیا تا به حال این شغل را ترک کرده‌اید؟ چرا؟ چطور شد دوباره به آن برگشته‌اید؟ |
| ۵. دل‌تان برای کار در روزنامه تنگ می‌شود؟ چرا؟ | | ۵. چه دلیلی باعث می‌شود هنوز در این حرفه باشید؟ چه چیزی مانع می‌شود که این شغل را ترک کنید؟ |
| | | ۶. چه کسانی یا چه چیزهایی مشوق شما بوده‌اند؟ |
| | | ۷. آیا در کارهای خبری بین‌المللی یا نشست‌های خارجی شرکت داشتید؟ اگر نه چرا؟ اگر آری لطفاً از این تجربه بگویید؟ هم‌تاهای خارجی خود را چطور دیده‌اید؟ |
| | | ۸. آیا در فضای مجازی هم فعال هستید؟ اگر نه چرا؟ اگر آری این فضا چه مزیت‌هایی برای شما دارد؟ |
| | | ۹. اسم چهار روزنامه‌نگار خوب ایرانی را بدون اهمیت دادن به جنسیتشان نام ببرید؟ |

منابع

- احمدوند، شجاع و جوزف ورز (۱۳۷۷) قدرت/دانش، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی. سال ۱، شماره ۳، صص ۲۳۴-۲۰۶.
- انسلم استراتوس، جولیت کربن (۱۳۹۳) مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای. تهران: نشر نی.
- المانی‌تور فارسی (۱۳۹۴) پیشرفت زنان ایرانی در راه پرپیچ و خم سردبیری: <https://www.al-monitor.com/pluse/fa/originals/02/2015>
- باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۸) زنان در مطبوعات زن نگار ایران از ۱۹۲۵-۱۹۱۰، ایران نامک، سال ۴، شماره ۱، بهار، صص ۸۴-۶۱.
- بولتن نیوز، (۱۳۹۴): <https://www.bultannews.com/fa/news>
- چارمز، کتی (۱۳۹۰) ساختن نظریه مبنایی: راهنمای عملی برای تحلیل کیفی، ترجمه مه‌زیار کاظمی‌موحد، حمیدرضا ایرانی و مه‌سیما کاظمی‌موحد، تهران: رسا.
- حامدی، مهدی و فاطمه رضوی (۱۳۹۵) تبیین گفتمان سوژه و قدرت در تأملات فوکو و آثار تجسمی هالی با تأکید بر مفهوم زندان، نشریه هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی، سال ۲۱، شماره ۳، صص ۱۰-۵.
- حسینی، حسن و مارال لطیفی (۱۳۹۵) زیست مجردانه؛ علل و زمینه‌ها (مطالعه موردی جوانان ساکن شهر تهران به روش گراند تئوری، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۱۲، شماره ۴۲، بهار، صص ۱۳۹-۱۱۴.
- خانیکی و دیگران (۱۳۹۴) گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۸۰-۱۳۹۰)، تهران: نشر نی.
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۷) تعداد زنان مدیر مسئول و صاحب امتیاز مجله و روزنامه در ایران، ۱۷ مرداد: <https://www.isna.ir/news/97051709429>
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۶) نیم نگاهی به نرخ بیکاری زنان در کشور، ۱۱ مهر: <https://www.isna.ir/news/96071005157>
- رجب‌پور، عظیم و داوود معنوی‌پور (۱۳۹۵) مقایسه سلامت روان خبرنگاران زن و مرد سرویس‌های مختلف خبری رسانه‌های گروهی، مقاله ارائه شده در همایش بین‌المللی زنان و زندگی شهری.
- روشندل، طاهر، کلانتری، عبدالحسین و مریم‌السادات صالح (۱۳۹۳) مدیریت فرایند برنامه‌سازی رادیویی در جمهوری اسلامی ایران: مدلی برآمده از نظریه مبنایی، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال ۱۰، شماره ۳۴، بهار، صص ۷۴-۵۷.

- شرق (۱۳۹۱) ۴۰ درصد متقاضیان کنکور دکترا زنان هستند، ۴ بهمن: آرشیو یونسکو انگلیسی، «Unequal opportunities: the case of women and the media»، ۱۹۸۱، منتشر شده به آدرس: www.unesco.org،
نرخ دستمزد روزنامه‌نگاران سایت قدس ان لاین.
- شکرچی، احمد و شمیم شرافت (۱۳۹۶) رابطه گرایش سیاسی دولت‌ها و هنجارهای شغلی روزنامه‌نگاری با حضور زنان در روزنامه، مجله جهانی رسانه، دوره ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۹۶-۸۵.
- فتاحی، سیدمهدی (۱۳۸۷) گفتمان قدرت در اندیشه میشل فوکو، نشریه دانشنامه. سال ۱، شماره ۴، صص ۷۳-۶۵.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه (گراند تئوری)، تهران: آگه.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۳) سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران سومین مجموعه مقالات، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت مطبوعات و رسانه‌ای دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
- معینی جزنی، الهام (۱۳۹۰) فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی زنان روزنامه‌نگاران زن شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم ارتباطات، به راهنمایی دکتر شیوا پژوهش فرد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، پاییز.
- نژادبهرام، زهرا (۱۳۸۸) موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران. تهران: رسانش.
- نژادبهرام، زهرا (۱۳۹۰) بررسی تطبیقی مشارکت اقتصادی زنان در ایران، ترکیه و مالزی، تهران: نشر اتاق بازرگانی.
- Byerly, Carolyn M. (2013) Introduction. In *The Palgrave International Handbook of Women and Journalism*, edited by Carolyn M. Byerly, 1-10. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Charmaz, Kathy. (2014). *Constructing grounded theory*. USA: Sage Publications.
- Kalenkoski, C. M. , & Foster, G. (2016). The economics of multitasking. *The Economics of Multitasking*. <https://doi.org/10.1057/9781137381446>
- Kurzman, C. (2008). A Feminist Generation in Iran? *Iranian Studies*, 41 (3) , 297-321 .
- Bailey, S. (2014). Who makes a better leader: A man or a woman? *Forbes*. Retrieved from <http://www.forbes.com>.
- Charmaz, Kathy (2009) *Constructing Grounded Theory*: SAGE Publications .
- Chmbers, Dora; carol, Fleming; Linda, Steiner; (2004) *women and journalism in united state and England*; Rotedg, newyourk.
- Fisher, Linda. (2010). Feminist phenomenological voices. *Continental Philosophy Review* 43 (1): 83- 95 .

- Franks ,Suzann; (2013) women journalist;London,Tauris,p. 58-5
- Gallagher, Margaret. (2001). Gender Settings: News agenda for media monitoring and democracy. London: Zed Press
- Gilger,kristiangredy; Wallace,jullia (2019) ” Theres no crying in newsrooms” Published by Rowman & Littlefield Publishers
[https://run.unl.pt/bitstream/10362/37265/1/ In_journalism_we_are_all_men_ Revised_ version. pdf](https://run.unl.pt/bitstream/10362/37265/1/In_journalism_we_are_all_men_Revised_version.pdf)
- Paula Lobo,Maria João Silveirinha, Marisa Torres,Filipa Subtil; (2017) “IN JOURNALISM, WE ARE ALL MEN”: material voices in the production of gender meanings
- Rezazadeh, Razieh. (2011). Women Empowerment and Good Urban Governance in Iran. Asian Social Science,7 (3) , 260-268
- Stainer,linda; (2012);Failed Theories: Explaining Gender Difference in Journalism ;national communicationassostion ,number12
- Strauss, Anselm, and M. Juliet Corbin (1990) Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques. Newbury Park, CA: Sage
- Zahedifar,effat,(2012), Women in Higher Education in ran,university oslo